

Excavation of the Temurtash (Timurtash) Family, the Origin of Abdul Hossein Timurtash (1312-1260)

Seyed Hamid Fakhrajafari*, Omid Sepehri rad**

Abolhasan Mobayen***

Abstract

Objective: To investigate the historical background of Tamartash (Timurtash) clan as the origin and ducational environment of Abdul Hossein Khan Timurtash, one of the influential figures of the first Pahlavi era. **Research method/approach:** This research was done with historical method and with descriptive-analytical method and using archival documents and library resources. Historical data has been extracted from various documentary sources, such as reconciliation letters, local manuscripts, and court documents. These data are used in terms of structure, function and content in order to describe and explain the background of the tribe "Timurtash, Demerdash, Tamertash" and the educational environment of "Abdul Hossein Timurtash".

Findings and Conclusion: The results of this research show that the original origin of the Tamratash clan was Shamat, which moved to the northern areas of Khorasan. Before Fath Ali Shah Qajar, there is very little information about this clan, and Abdul Hossein Khan's ancestors were rulers in Nardin village, on behalf of Bojnoord broker. Due to Abdul Hossein Khan's early departure from his clan to study; the effects of Ili's education did not last in him, the European education became stable in him.

Keywords: Northern Khorasan, Tamertash Tribe, Abdul Hossein Khan Timurtash, Reza Shah, Nardin.

* Ph.D. Candidate of History, Department of History, Faculty of Humanities, Azad University, Bojnourd Branch, Iran, hamidfakhr1354@gmail.com

** Assistant Professor of History, Department of History, Faculty of Humanities, Azad University, Bojnourd Branch, Iran (Corresponding Author), omid_sepehri@yahoo.com.

*** Assistant Professor of History, Department of History, Faculty of Humanities, Azad University, Bojnourd Branch, Iran, Mobayen2005@yahoo.com

Date received: 16/04/2023, Date of acceptance: 12/09/2023



کنکاشی پیرامون طایفه تمر تاش (تیمورتاش) خاستگاه عبدالحسین تیمورتاش (۱۲۶۰-۱۳۱۲ ش)

سیدحمید فخر جعفری*

امید سپهری راد**، ابوالحسن مبین***

چکیده

هدف: بررسی پیشینه تاریخی طایفه تمر تاش (تیمورتاش) به عنوان خاستگاه و محیط تربیتی. عبدالحسین خان تیمورتاش یکی از شخصیت‌های متنفذ عصر پهلوی اول است.

روش: رویکرد پژوهش: این پژوهش با روش تاریخی و با شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد و مدارک آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های تاریخی از لایه‌های منابع اسنادی از قبیل مصاحبه‌نامه، کتب خطی محلی، و اسناد دیوانی استخراج شده است. این داده‌ها به لحاظ ساختار، کارکرد، و محتوا در جهت توصیف و تبیین پیشینه طایفه «تیمورتاش، دمر تاش، تمر تاش» و محیط تربیتی «عبدالحسین تیمورتاش» مورد استفاده قرار می‌گیرند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که خاستگاه اولیه طایفه تمر تاش شامات بوده است که به نواحی شمال خراسان کوچ داده شده‌اند. تا قبل از فتحعلی‌شاه قاجار اطلاعاتی از این طایفه بسیار اندک است و اجداد عبدالحسین خان در قریه نردین از طرف کارگزار بجنورد حاکم بوده‌اند. به علت خارج شدن زود هنگام عبدالحسین خان به جهت تحصیل از میان طایفه‌اش آثار تربیتی ایلی در او ماندگار نشد و تربیت اروپایی در او به ثبات رسید.

کلیدواژه‌ها: شمال خراسان، طایفه تمر تاش، عبدالحسین خان تیمورتاش، رضاشاه، نردین.

* دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران، hamidfakhr1354@gmail.com

** استادیار، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول)،
omid_sepehri@yahoo.com

*** استادیار، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران، Mobayen2005@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱



۱. مقدمه

طایفهٔ تمرتاش از طوایف مهم و معتبر ترک‌زبان در شمال خراسان هستند. عبدالحسین‌خان تیمورتاش، فرزند ارشد کریم دادخان تمرتاش، رئیس طایفهٔ تمرتاش، یکی از مالکان و خوانین مشهور شمال خراسان و مباشر یارمحمدخان سهام‌الدوله دوم (سردارمفخم بجنوردی)، حاکم بجنورد، بود. زادگاه عبدالحسین‌خان (معزالملک / سردارمعظم خراسانی) منطقهٔ زیست‌بوم نردین (در منطقهٔ جاجرم از توابع بجنورد) است. این منطقه از دیرباز محل استقرار طوایف دیگر ایلات کوچ‌نشین از قبیل شادلو، قراچورلو، زعفرانلو، کیوانلو، عمارلو، و ... بوده است. این طایفه (تمرتاش) دارای هشت تیره به‌نام‌های خانان، اُروجی، مُلاه‌ها، شهریاری، نَرَدینی، عَوام، صنعت‌گران، و یالان‌قاچ است. این طایفه امیران و خوانین مشهوری داشته است؛ هم‌چنین، از رجال و مشاهیر معروف این طایفه عبدالحسین‌خان تیمورتاش (وزیر دربار)، رضاشاه و دیگرانی چون محمدحسین تیمورتاش (کاتب)، محمدنبی تیمورتاشی (خوشنویس)، میرزا علی تیمورتاشی (شایق) از شاعران قرن سیزدهم، ملاحجی تیمورتاشی (واثق) از مکتب‌داران معروف شمال خراسان در قرن سیزدهم، هیبت‌الله ناطق تیمورتاشی (ناطق) از شاعران و نویسندگان آزادی‌خواه دورهٔ قاجار و اوایل حکومت پهلوی، غلامحسین دبیر (دبیرزاده)، و ... را می‌توان یاد کرد. قلمرو و محل استقرار طایفهٔ تیمورتاش علاوه‌بر نردین در شهرهای بجنورد، اسفراین، زیارت، میامی، شاهرود، مشهد، سبزوار، و مینودشت و روستاهایش را می‌توان نام برد. نژادشان ترک و زبان گفتارشان ترکی و اندکی کُردی است. اطلاعات ما درخصوص این طایفه تا اوایل حکومت فتح‌علی‌شاه قاجار مبهم و اندک است. اسناد موجود مربوط به قبل از عصر قاجار همگی از حضور طایفهٔ تمرتاش در دامنه‌های شمالی رشته‌کوه آلاداغ از جمله در روستاهای زیارت، ارکان، و روئین دلالت دارند. در عهد حکومت فتح‌علی‌شاه قاجار، نجفقلی‌خان شادلو معروف به «نجفعلی‌خان»، حاکم وقت بجنورد، گروهی از طایفهٔ تمرتاش را به بلوک نردین در شمال شاهرود کوچانید تا محافظ مرزهای شمالی شاهرود و سمنان از حملات مداوم ترکمانان (گُولان، یَموت) باشند. آن‌ها در نقش تاریخی خود یعنی پاسداری از مرزهای شمال شرقی ایران اقدام کردند و در فقدان ارتش منظم و کلاسیک ایران تا قبل از دوران رضاشاه نقش‌آفرین بودند. اگرچه طایفهٔ تمرتاش، یکی از طوایف ترک‌زبان، ساکن منطقهٔ شمال خراسان بودند، با ایلات و طوایف کُرد هم‌چون شادلوها، قراچورلوها، زعفرانلوها، کیوانلوها، عمارلوها، و ... پیوند دارند. در این پژوهش، تلاش شده با بهره‌گیری از منابع و اسناد معاصر به معرفی این طایفه، که در گسترهٔ جغرافیایی شمال خراسان پراکنده‌اند، پرداخته شود.

۲. سیر تاریخی طایفه تمرتاش (تیمورتاش) در منطقه شمال خراسان

درخصوص پیشینه تاریخی طایفه (تیمورتاش‌ها) در شمال خراسان معروف است که طایفه تمرتاش توسط تیمور لنگ از شامات (سوریه) به دامنه‌های رشته‌کوه آلاداغ در خراسان کوچانده شدند. قبل از این زمان، ترکان صحرانشین، باقی‌مانده سپاه مغولی که به گرایلی (قرائیلی/ گرائیت‌ایلی) مشهورند، در دشت بجنورد مستقر بودند (میرنیا ۱۳۶۹: ۹۷)، اما عبدالحسین‌خان تیمورتاش نسل خود را از بازماندگان تیمورتاش، پسر امیرچوپان، می‌دانست (شیخ‌الاسلامی ۱۳۷۹: ۳۶). تیمورتاش (دمیرطاش) دومین پسر امیرچوپان بود که از طرف ابوسعید، آخرین ایلخان مغول، حکومت آسیای صغیر را به‌عهده داشت و به فتوحاتی در آن سرزمین نایل آمده بود. او به برقراری نظم و انضباط و رعایت عدالت و انصاف و تأمین رفاه در تاریخ آن خطه شهرت داشت (نبئی ۱۳۷۵: ۱۰). طایفه تمرتاش با دیگر قبایل گُرد ساکن منطقه، که از اوایل قرن هفدهم میلادی وارد خراسان شده بودند، با قبایلی نظیر کیوانلو، شادلو، عمارلو، و ...، که به‌وسیله نادرشاه به خراسان کوچ کردند، زندگی مسالمت‌آمیزی داشتند (ایوانف ۱۳۷۷: ۲).

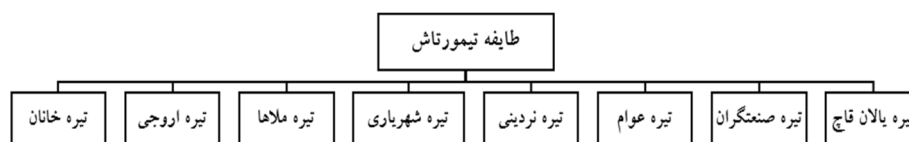
ترک‌های اُغوز یا غُز، که خود را ترکمن یعنی تُرک خالص و اصیل می‌خواندند، در زیر فشار ترکان قبیچاق به حرکت درآمدند. شاخه‌ای از آن‌ها به بالکان رفت و شاخه‌ای دیگر در سال ۴۱۷ ق به خاک ایران وارد شد. بخشی از آن‌ها با گذر از خاک ایران به آسیای صغیر (ترکیه) و شام (سوریه) رفتند و با عناصر نژادی دیگر آمیختند. در زمان تیمور لنگ و سپس به‌هنگام اقتدار سلسله‌های قراقویونلو، آق‌قویونلو، و صفویه به ایران بازگشتند (شهبازی ۱۳۶۹: ۱۱۸).

دخترعموی یارمحمدخان شادلو سهام‌الدوله دوم، رئیس طایفه و ایل گُرد شادلو، (جواهرخانم دختر فرج‌الله‌خان) به عقد و ازدواج کریم دادخان تمرتاشی درآمد که از این وصلت دو دختر و یک پسر (عبدالحسین‌خان) به دنیا آمدند (مُتتخب‌الملک ۱۳۴۰: ۵۰-۵۱، ۱۰۰-۱۰۱)، لذا عبدالحسین‌خان تیمورتاش نیش گُرد از طرف مادری و نیم دیگرش تُرک متنسب به آل‌چوپانیان از طرف پدری است (باستانی پاریزی ۱۳۹۰: ۲۲۳).

۱.۲ وجه تسمیه و زیرشاخه‌های طایفه تمرتاش و قلمروی آنان

وجه تسمیه کلمه تمرتاش برگرفته از واژه تُرکی (دمرتاش) به معنای آهن و سنگ است. مردمان این طایفه به دلیل سرسختی و مقاوم بودن به این نام شهرت یافته‌اند. اصل و نسب مردمان ترک‌زبان کنونی ساکن در این خطه به سلسله‌های تُرک غزنوی، سلجوقی، ایلخانی، و تیموری می‌رسد. اقوام و طایفه‌های ترک‌نژاد فعلی از قبیل تمرتاش (تیمورتاش) گرایلی، جانی‌قربان،

و ... نسب خود را با عصر ترکان و مغولان می‌شناسانند (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۳: ۱۰۳). به‌دیگرسخن، می‌توان بیان داشت که ترک‌های شمال خراسان پس از تات‌ها (فارسی‌زبان‌ها) قدیمی‌ترین طوایف این خطه هستند. اصل و نسب برخی از آنان به دوران غزنویان، سلجوقیان، و خوارزمشاهیان می‌رسد. ترک‌های گرایلی و بغایری نسب خود را به مغول‌ها در عصر هلاکوی ایلخان مغول می‌رسانند. ترک‌ان تاتار و تَمرتاش نیز نسب خود را به ترکان شامات، که توسط تیمور لنگ به خراسان کوچانده شدند، می‌رسانند. افشارها، بیات‌ها، و قاجارها اصل و نسب خود را به ترکان آذربایجان نسبت می‌دهند که برای دفاع از مرزها در برابر هجوم اُزبک‌ها به خراسان کوچ داده شدند (رحمتی ۱۳۹۶: ۶۲).



نمودار ۱. زیرشاخه‌های طایفه تیمورتاش

قریه نردین از ۱۶۰ سال قبل (از سال ۱۱۴۰ ق) قریه کوچکی بوده و از اعراب اسکندری در آن‌جا کوچ داده شدند و سُکنی گزیدند (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۸: ۱۰۰). وجه تسمیه نردین منتسب به چشمه‌ای از کوه جنوبی آن منطقه است که آب جاری آن را به نردین می‌رساند و اکنون آن قنوات مسدود شده‌اند (مک گرگر ۱۳۶۸: ۵۷). در قسمت غرب قریه نردین چمن کالپوش قرار دارد که به‌خاطر مناظر طبیعی دل‌انگیزش موردتوجه بزرگان مملکت بوده است. فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۱۶ ق برای رسیدن به خراسان از راه چمن کالپوش گذشت. به همین منظور، در آن‌جا چند روزی را توقف کرد. عباس‌میرزا (نایب‌السلطنه قاجار) در سال ۱۲۴۹ ق از کالپوش گذشت و وارد قوچان شد. او نیز چند روزی را در کالپوش توقف کرد. محمدشاه در سال ۱۲۵۲ ق وارد کالپوش شد و چند روزی را در آن‌جا سپری کرد. ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۳ ق، وقتی که از مشهد راهی تهران بود، به نردین رسید. مخصوصاً روز جمعه (۱۵ ربیع‌الثانی) همان سال، ۱۲۸۳ ق، از نردین به تماشای کالپوش رفت و در آن‌جا به شکار پرداخت؛ فاصله نردین تا کالپوش دو فرسخ است (تأثیری ۱۳۹۳: ۱۴۷). امروزه، نردین از استان خراسان شمالی تفکیک و به استان سمنان واگذار شده است.

کنکاشی پیرامون طایفه تمرتاش (تیمورتاش) ... (سیدحمید فخر جعفری و دیگران) ۱۴۳

جدول ۱. حاکمان نردین از دوره فتحعلی شاه تا پایان قاجاریه

حاکمان نردین	زمان حکومت	اقدامات حاکمان
علیق‌لی خان تمرتاش	فتحعلی شاه قاجار	کوچ طایفه تمرتاش به نردین و عمران آن بلوک
محمدحسین تمرتاش	محمدشاه قاجار	شکست دادن ترکمانان
اسفندیارخان تمرتاش	ناصرالدین شاه	افزایش حوزه اقتدار ایل تمرتاش به نقاط اطراف
افراسیاب خان تمرتاش	ناصرالدین شاه	درگیری با ترکمانان (یموت و گوگلان)
کریم دادخان تمرتاش	دوره ناصری، مظفری	ارتباط با دربار از طریق حاکم بجنورد، افزایش قلمرو
عبدالحسین تیمورتاش	احمدشاه و رضاشاه	وکیل مجلس شورای ملی، وزیر دربار رضاشاه

۳. معرفی حاکمان نردین از دوره فتحعلی شاه تا پایان قاجاریه

۱.۳ علیق‌لی خان تمرتاش

اولین مطالب تاریخ درخصوص طایفه تمرتاش هم‌زمان با حکومت فتحعلی شاه قاجار است که از شخصی به نام علیق‌لی خان تمرتاشی، بیگ و بزرگ طایفه تمرتاش و حاکم قلعه آرکان از توابع بجنورد، ذکر شده است. در مأموریتی که از طرف نجفقلی خان شادلو (نجفعلی خان) به او سپرده شد به اطراف شمال میامی (از توابع شاهرود) کوچید تا از سرحدات شمال سمنان دربرابر ترکمانان مهاجم (گوگلان و یموت) محافظت کند. او نردین را توسعه داد و هشت برج و قلعه به آن افزود (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۶: ۹۴۵).

۲.۳ محمدحسین تمرتاش

محمدحسین خان نردینی بعد از پدرش (علیق‌لی خان) رئیس طایفه تمرتاش شد. وی علاوه بر حکومت بر نردین و توابع در عهد محمدشاه قاجار مدتی حکومت جاجرم را نیز در اختیار داشت (همان). حاج میرزا آقاسی، صدراعظم دوران محمدشاه قاجار، محمدحسین خان نردینی را به حکمرانی جاجرم، بجنورد، و اسفراین منصوب کرد (متولی حقیقی ۱۳۸۷: ۲۱۷). این انتخاب باعث تکدر خاطر جعفرقلی خان گردید. لذا، ناخواسته با محمدحسین خان تمرتاشی (نردینی) اختلاف پیدا کرد و بین آن‌ها کدورت به وجود آمد و این به خاطر انتصاب بی‌جایی بود که حاج میرزا آقاسی انجام داده بود (تأثیری ۱۳۹۳: ۱۵۹). هرچند شکست فتحعلی شاه قاجار از روسیه تزاری در سال ۱۲۴۳ ق او را بیش از پیش درنزد خوانین خراسان بی‌اعتبار کرد. در سال ۱۲۴۸ ق، خوانین گُرد قوچان و بجنورد سر به شورش برداشتند. علت اصلی این شورش‌ها را

باید در هرج و مرج ناشی از عشرت طلبی مأموران حکومتی در خراسان جست و جو کرد. فتحعلی شاه آخرین برگ برنده اش را، که همان عباس میرزا (نایب السلطنه) بود، نمایان کرد تا بتواند نافرمانی خوانین گُرد را از بین ببرد. نجفقلی خان شادلو با وساطت قائم مقام در زمره خوانین موافق دولت درآمد (اعتماد السلطنه ۱۳۴۹: ۱۲۴). محمدحسین تَمرتاشی در سال ۱۲۶۰ ق ترکمانان مهاجم را شکست داد. این پیروزی بدون هماهنگی با حکمرانان محلی به پایتخت گزارش شد که موجب خشم و غضب آصف الدوله (والی خراسان) گردید. در نهایت، حاکم بجنورد (جعفرقلی خان شادلو) مأمور تنبیه او گردید. جعفرقلی خان با اشاره آصف الدوله بر سر محمدحسین خان تَمرتاشی هجوم آورد، او را کشت، و مالش را غارت و عیالش را اسیر کرد. دولت قاجار امر به احضار او داد که با وقت کشی آصف الدوله و عذر اشتغال به معاملات جعفرقلی خان شادلو زمان سپری شد (اعتماد السلطنه ۱۳۷۶: ج ۱، ۹۴۵).

۳.۳ اسفندیار خان تَمرتاش

بعد از قتل محمدحسین خان تَمرتاش فرزندش، اسفندیار خان نردینی، حاکم نردین در دوران ناصرالدین شاه گردید. او از طرف جنوب و مشرق بر قریه نردین افزود و باغ مهمی ساخت، به طوری که در سال ۱۳۰۰ ق جمعیت آن بالغ بر سی صد خانوار بوده است (اعتماد السلطنه ۱۳۷۳: ۹۷). البته، معلوم نیست تغییرات اسفندیار خان در قلعه نردین دقیقاً در چه زمانی ایجاد شده است، اما آن چه مشخص است اسفندیار خان باغ را در سال های میانه دو سفر ناصرالدین شاه ساخته است. استناد مطلب نوشته حکیم الممالک است که اشاره ای به این باغ نکرده است، گرچه قریه نردین را محکم و طولانی توصیف کرده است (حکیم الممالک ۱۳۵۶: ۱۵۷).

۴.۳ افراسیاب خان تَمرتاش

بعد از مرگ اسفندیار خان، فرزندش افراسیاب خان به حکومت نردین و جاجرم گمارده شد. افراسیاب خان نردینی با سواره ترکمانان، که به تاخت و تاز آن نواحی آمده بودند، جنگید. بعضی را مقتول و برخی را زنده دست گیر و بقیه را منهزم کرد (اعتماد السلطنه ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۱۵۲). در زمان حکومت افراسیاب خان، اوضاع اهالی قلعه نردین بر اثر زلزله شدیدی که روی داد آشفته گشت. سرانجام، ناصرالدین شاه در واکنش به اعتراض ها افراسیاب خان را عزل و به جایش کریم دادخان برادر کوچک تر افراسیاب خان را به صورت موقت حاکم نردین کرد (امین لشکر ۱۳۷۴: ۲۵۴).

۵.۳ کریم دادخان تمر تاش

کریم دادخان ملقب به مُعززالملک بود. او در جوانی وارد دستگاه یارمحمدخان شادلو (سهامالدوله دوم) حاکم بجنورد، استرآباد، و مرزدار و زمین‌دار بزرگ شمال خراسان گردید. چون از خوانین نردین بود، موردتوجه او واقع و سرانجام پیش‌کار و مباشرش شد (عاقلی ۱۳۹۷: ۱۱) و بعد از مرگ برادرش، افراسیاب‌خان، حاکم نردین و جاجرم در عصر ناصری و مظفری گردید. به سبب لیاقت و کفایتش و انتساب سببی‌اش موردتوجه یارمحمدخان شادلو قرار گرفت و به مرتبه سرتیپی رسید (روشنی زعفرانلو ۱۳۷۴: ۱۴-۱۶). کریم دادخان حاکم بی‌هق (سبزوار) و ترشیز (کاشمر) شد و در دستگاه حکومت خراسان نام و شهرتی به دست آورد. بعدها کریم دادخان لقب امیرمنظم نیز گرفت و لقب معززالملک را به فرزندش عبدالحسین‌خان واگذار کرد (شیخ‌الاسلامی ۱۳۷۹: ۲۱).

ناصرالدین‌شاه درباره سفر سال ۱۳۰۰ ق، که از جاجرم دیدن کرده، می‌نویسد: کریم دادخان و یک‌صد سوارش مأموریت دفاع از حوزه قلمروی جاجرم را به عهده داشتند (ناصرالدین‌شاه ۱۳۰۶: ۸۵). سهام‌الدوله دوم با کشته شدن ناصرالدین‌شاه و به سلطنت رسیدن مظفرالدین‌شاه مصلحت را در آن دید که روابط خود را با دربار قاجار به حداقل تقلیل دهد. پس اموری را که احتیاج به مراجعه به پایتخت داشت به وسیله دو نفر از سرتیپان زیردستش، سلطان‌قلی‌خان و به‌ویژه کریم دادخان، انجام می‌داد. کریم دادخان پس از روی کار آمدن مظفرالدین‌شاه بیش‌تر اوقات از سوی یارمحمدخان سهام‌الدوله دوم برای انجام کارهای حوزه حکومتی به تهران اعزام می‌شد. او به این ترتیب با مقامات حکومتی در تهران ارتباط و آشنایی پیدا کرد (روشنی زعفرانلو ۱۳۷۴: ۱۴-۱۶). یارمحمدخان به پیش‌کارش، که از نظر ظاهر زیبا و دارای اخلاقی پسندیده بود، به جهت این‌که دارای وزنه و اعتباری باشد، حکومت جوین و بی‌هق (سبزوار) را به او سپرد. کریم دادخان از این مأموریت استقبال فراوان کرد و با فروتنی و مردم‌داری توانست در اولین مأموریتش دوستان خوبی برای خود تدارک ببیند. او علاوه بر هدایایی که از طرف سهام‌الدوله تقدیم دربارشاه قاجار کرد برای صدراعظم و درباریان به فراخور حال هدایایی از سوی خود تقدیم می‌کرد. بدین ترتیب، کریم دادخان خیلی زود توانست در میان درباریان نفوذ کند و در اولین قدم لقب معززالملک را برای خودش دریافت کند (عاقلی ۱۳۹۷: ۱۲). در آن ایام، چون موضوع فروش خالصجات دولتی برای تأمین هزینه‌های دربار پیش آمده بود و در حوزه حکومتی سهام‌الدوله در قصبه جاجرم و آبادی‌های مجاور آن خالصجاتی به نام‌های ایور و ذرق و گزی وجود داشت، یارمحمدخان، حاکم بجنورد، کریم دادخان را برای خرید املاک

مذکور به تهران فرستاد تا خالصجات مذکور را به نام عزیزالله خان حاکم خریداری کند. کریم دادخان با پولی که یارمحمدخان در اختیارش گذاشته بود نصف خالصجات را به نام عزیزالله خان و نصف دیگر را به نام فرزندش عبدالحسین (که بعدها وزیر دربار رضاشاه شد) قبالة کرد. عمل ناروای کریم دادخان نسبت به یارمحمدخان در زمینه ثبت سند زمین ها به نام فرزندش ضربه ای ناگوار برای حاکم بود. پس از مراجعت کریم دادخان به بجنورد چون موضوع آشکار شد مورد بازخواست یارمحمدخان قرار گرفت و از دستگاه حکومتی محلی طرد شد. چون موضوع به صدراعظم وقت گزارش شده بود، مأموری از تهران اعزام شد. در نتیجه، کریم دادخان، که در این زمان به قوچان پناه برده بود، مجبور به انتقال املاک مورد بحث شد. به طور طبیعی، این قضیه سبب کینه شدید عبدالحسین خان تیمورتاش شد که بعدها با به قدرت رسیدنش در زمان رضاشاه در ازین بردن عزیزالله خان (سردار مُعزز بجنوردی)، فرزند حاکم پیشین، این کینه قدیمی مؤثر افتاد (روشنی زعفرانلو ۱۳۷۴: ۱۷).

۶.۳ عبدالحسین خان تیمورتاش (تولد ۱۲۵۸- قتل ۱۳۱۲ ش)

او از حاکمان بلوک نردین محسوب نمی شود و تنها از افراد معروف طایفه تمرتاش است. سردارمعظم خراسانی و معززالملک از القاب معروف اوست. وی در سال ۱۲۵۸ ش و به روایتی ۱۲۶۰ ش در نردین متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی و شرایط آن روز به سبب قدرت و نفوذ روسیه و حضور سپاهیان قزاق، روانه روسیه تزاری گردید (آقاملائی ۱۳۸۹: ۴۴۳). پرنس آرفع در کتاب خاطراتش آورده است:

در طی سفر به منطقه جاجرم روزی مهمان کریم دادخان بودم. پسر نوجوانی به نام عبدالحسین خان را به حضورم آورد و درخواست نمود که فرزندی و حمایت از او را در آینده قبول نمایم که پذیرفتم. تقریباً هشت سال بعد در کنسولگری سن پترزبورگ روزی پیش خدمت اطلاع داد یک نفر ترکمن^۱ با فرزندش با من (ارفع) کار دارد. اجازه حضور دادم. کریم دادخان و پسرش بود، سپس او را در مدرسه نیکلای روسیه تزاری، که مخصوص اشراف روس بود، ثبت نام کردم که در نهایت به وزارت دربار رسید (ارفع ۱۳۷۸: ۱۴۰).

عبدالحسین خان در زمان تحصیل لقب خان نردینسکی^۲ هم چون القاب اشراف زادگان تزاری برای خود برگزید. عبدالحسین خان معززالملک پس از بازگشت به ایران در منطقه حکومتی پدرش و با حمایت او به منصب حکومتی جوین و اسفراین برگزیده شد. این اولین نتیجه تأثیر

کنکاشی پیرامون طایفه تمر تاش (تیمورتاش) ... (سیدحمید فخر جعفری و دیگران) ۱۴۷

ایلی وی است. این نخستین تجربه سیاسی و اجرایی عبدالحسین خان نیز بود که با حمایت و پشتیبانی ایلپاتی پدر و نقش قدرت ایلات، بر مناصب حکومتی و لشکری نایل شده بود که خود تأییدکننده این مطلب است. بازی سیاست عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی او را از اشتغال به دیگر حوزه‌ها چون ادبیات و هنر بازداشت، تا آنجا که با محمدهاشم میرزا، ملقب به «شیخ‌الرئیس»، آشنا شد. محمدهاشم میرزا از عالمان و شاعران خراسان بود که چندین دوره نمایندگی مردم خراسان را در مجلس شورای ملی برعهده داشت (عاقلی ۱۳۹۷: ۴۴۴).

نمونه‌ای از اشعار سردار معظم خراسانی چنین است:

من که جزئی ز کل ایرانم	دشمن مردمان نادانم
دشمن مُستشار و مُمتازم	خصم جان فلان و بهمانم
با تو ای مستشار ممکن نیست	حلقه آشتی بجنبانم
چند پویی، به راه بی‌خردی	چند گویی که مرد میدانم
چند گویی که من سخن‌سنجم	چند گویی که من سخن‌دانم
گاه گویی که ژرمن و فیلم	گاه گویی که عبد‌عمانم
گاه با زهر آن‌تریک کنی	گاه گویی که مسلمانم
همه حرفی، حرف مفت و گزاف	راست گفتمی که آن‌تریکانم
با همه کوچکی و بی‌خردی	بازگویی که رئیس ایرانم
تو، نه مردی و نه مردی می‌دانی	راست گویی بیا به میدانم
نه چنین تنگ‌فکر و بُوالهوسم	نه چنین آبله و سیه‌جانم
که تو را من رئیس مُلک کنم	روح ایران ز خود برنجانم
گر ندانی بدان که دُر کُوب	صاحب گفته‌های «حیرانم» ^۳
گرچه من از وثوق دل‌تنگم	سگ او را از تو فزون دانم

(گلشن آزادی ۱۳۷۳: ۱۸۷)

عبدالحسین خان در زمان تأیید اعتبارنامه‌اش در مجلس شورای ملی به دلیل نداشتن حدنصاب سن قانونی در معرض سؤال نمایندگان دیگر قرار گرفت که تدبیر کریم دادخان در تهیه استشهادیه محلی، مبنی بر سن سی سال تمام عبدالحسین خان که به امضای کلیه بزرگان و خوانین منطقه در طی ضیافتی شبانه رسیده بود، به مجلس شورای ملی ارسال و مسئله ختم گردید. این مطلب بار دیگر تأیید بهره‌مندی سردار معظم خراسانی از مزایای پشتیبانی ایلپاتی‌اش

است که سرنوشت سیاسی وی در بازی قدرت به عنوان یک عنصر بانفوذ را متبلور می سازد. سردار معظم خراسانی، که در کانون تحولات سیاسی ایران قرار گرفته بود، در رخدادهای مهمی چون عضویت در کمیسیون میکس^۴ هم چنین در جایگاه یک رجل سرشناس و مورد وثوق دیپلمات خارجی چون میسیو زیرآلمانی قرار گرفت (کحال زاده ۱۳۷۰: ۲۰۶؛ عاقلی ۱۳۹۷: ۳۱).

به استناد راپورت (گزارش) به سفارت فرانسه، مجلد نهم، ص ۱۱۴-۱۱۶ (۲۱ ژوئیه ۱۹۲۱) از آقای تیمورتاش (وزیر دربار ایران)، به عنوان عمده ترین شخصیت سیاسی در ایران که فردی باهوش و مصمم، اما هوس باز و قمار باز ... یاد شده است (پورشالچی ۱۳۸۴: ۳۸۲-۳۸۴). او، که در کانون تحولات سیاسی قرار گرفته بود، در انتقال سلطنت قاجاریه به پهلوی نقش آفرینی کرد و او را به یکی از نزدیکان رضاشاه مبدل ساخت. سرانجام، پست وزارت دربار را در سال ۱۳۰۴ ش برایش به ارمان آورد تا سال ۱۳۱۱ ش، به عنوان فرد دوم کشور، نقش کلیدی و تعیین کننده ای در سلطنت رضاشاه ایفا کرد (آقاملائی ۱۳۸۵: ۴۴۱). از دیگر اقدامات وی تدارک جشن برگزاری تاج گذاری رضاشاه در دوره نخست وزیری ذکاءالملک فروغی و با نظارت و تسلط وزارت دربار بود. در جشن تاج گذاری (۴ اردیبهشت ۱۳۰۵)، که در کاخ گلستان برگزار شد، تیمورتاش مأمور ترتیب دادن جزئیات مراسم تاج گذاری بود. تیمورتاش دربار بسیار محترمی برای رضاشاه به وجود آورد. او به خصوص در قید تشریفات بود و می خواست رضاشاه در احاطه جاه و جلال و وقار باشد. به همین سبب، حسنعلی غفاری، دیپلمات و رئیس تشریفات وزارت امور خارجه، را رئیس کل تشریفات وزارت دربار کرد. غفاری با امور تشریفات پایتخت های اروپایی آشنایی کامل داشت (غنی ۱۳۸۰: ۴۰۴). تیمورتاش تنها کسی بود که می توانست دربار را منطبق بر الگوی دربار پادشاهان اروپایی سازمان دهد. او تحصیل کرده آکادمی نظامی، سخت گیر، منضبط، آشنا به چند زبان خارجی، سخن ور، و اهل فرهنگ بود (سینایی ۱۳۹۶: ۱۷۳). فروغی چندی پس از آن در خرداد ۱۳۰۵ ش ظاهراً به خواست و اشاره وزیر دربار تیمورتاش کنار رفت و منصبش را به مستوفی سپرد. روی کار آمدن تیمورتاش به عنوان وزیر دربار رضاشاه از روی دادهایی بود که در روند تغییر روابط و مناسبات نهاد سلطنت مشروطه با دیگر اجزای دولت، یعنی مجلس و کابینه ها، به درجات مؤثر افتاد. تیمورتاش وزارت دربار را به بازوی قدرت مندی برای نظارت و چیرگی بر قوای مجریه و مقننه تبدیل کرد. او از آذر ۱۳۰۴ ش به وزارت دربار برگزیده شد (عبدی ۱۳۸۳: ۱۶۰) و تنها میراث نهضت مشروطیت ایران (پارلمان) در سال ۱۳۱۱ ش به طور ناگهانی برکنار گردید. او پس از رضاشاه نیرومندترین و مهم ترین شخص مملکت به حساب می آمد. رضاشاه به همه رجال وطنی و خارجیان سوءظن داشت و بدبین بود، به طوری که تیمورتاش نیز از این قاعده

کنکاشی پیرامون طایفه تمرتاش (تیمورتاش) ... (سیدحمید فخر جعفری و دیگران) ۱۴۹

یعنی «بدینی» مستثنا نبود (پیرا ۱۳۸۳: ۱۶۰). مخبرالسلطنه هدایت درباره نفوذ و اقتدار تیمورتاش چنین نوشته است: «تیمورتاش وزیر دربار ماست و رافع بین شاه و هیئت دولت و نافذ در هر کار طرف اعتماد شاه و از سیاست آگاه است» (هدایت ۱۳۴۴: ۳۷۱). هم‌چنین، رضاشاه روزی در هیئت دولت بیان داشت: «قول تیمور (تیمورتاش) قول من است» (پورسیف فاطمی ۱۳۷۸: ۷۴۰). اقتدار بی‌اندازه تیمورتاش و دخالت در کلیه امور داخلی و خارجی اعم از مسئله نفت، جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج فارس، بحرین، انتخابات مجلس، لغو قانون کاپیتولاسیون، اصلاح قوانین جزایی، قانون نظام وظیفه اجباری، کلاه پهلوی، الغای امتیاز نفت شمال، و واگذاری به کمپانی‌های امریکایی مثل سینکлер آشکار است (بهار ۱۳۸۶: ۲۲۰).

تیمورتاش با هم‌راهی هم‌فکرانی چون نصرت‌الدوله فیروز و علی‌اکبر داور ... به مثلث قدرت مشهور بودند؛ باین‌حال، سرنوشتشان کاملاً در دست رضاشاه بود. شخصیت و جایگاه تیمورتاش حسادت دیگر رقبای داخلی و خارجی را برانگیخت، به‌ویژه پس از ناکامی تیمورتاش در طی مذاکرات نفت با شرکت نفت ایران و انگلیس و لغو امتیازنامه داری، افول وی قابل‌توجه است (طلوعی ۱۳۸۰: ۱۲۲). از آن‌جاکه امتیازنامه داری در سال ۱۹۰۱ م منافع ایران را تأمین نمی‌کرد، بنابراین از طرف دولت ایران لغو شد و از درجه اعتبار ساقط گردید. سه روز بعد در میان شادمانی عموم مردم ایران لایحه لغو امتیازنامه داری به‌اتفاق آرا تصویب شد (فاتح ۱۳۵۸: ۲۹۲). کسی چون تقی‌زاده درمورد تیمورتاش می‌نویسد:

از افراد شایسته و لایقی که در زندگی دیدم مرحوم تیمورتاش است. مردی لایق، باهوش، و با حسن نیت و حتی می‌توانم بگویم که اگر او نبود، کارها به‌نحو صحیح جریان نمی‌یافت. مرحوم تیمورتاش در زمان خود همه‌کاره بود و هیچ کار برخلاف نظر او انجام نمی‌گرفت. نظریات و خواسته‌های رضاشاه را به‌خوبی و با درستی و صداقت و لیاقت انجام می‌داد (تقی‌زاده ۱۳۷۹: ۴۲۲).

سرانجام، سوءظن شدید رضاشاه نسبت به تیمورتاش در ۳ دی ۱۳۱۱ ش طی اعلان رسمی در جراید به این عبارت آشکار شد. «آقای عبدالحسین تیمورتاش، وزیر دربار پهلوی، از خدمت معاف گردید» (روزنامه/اطلاعات ۱۳۱۱/۱۰/۳ ش). از وزارت دربار عزل و راهی زندان شهربانی شد (مکی ۱۳۷۴: ج ۵، ۳۰۱). تیمورتاش در طی دو مرتبه دادگاه رسیدگی به اتهاماتش، تحت عناوین اخذ رشوه در معاملات تجارت تریاک از امین‌التجار اصفهانی و تبانی با لیندن بلات آلمانی، رئیس بانک ملی، که توسط بازرسی‌هایی که از طرف رئیس نظارت بانک ملی حسینعلی نواب به‌عمل آمد، و هم‌چنین فروش ارز در بازار سیاه به پنج سال زندان محکوم گردید (بلوشر ۱۳۶۹: ۲۵۴).

دوباره با پرونده‌سازی‌های ریاست کل شهربانی، سرلشکر آیرم، علیه تیمورتاش دادگاه دوم برپا گردید و اتهاماتی درخصوص جاسوسی تیمورتاش و قضیه نفت‌خوری آن، که با دسیسه انگلیسی‌ها صورت گرفت و تیمورتاش را مانعی بر سر راه مطامع استعماری خود در ایران می‌دیدند، به جریان افتاد. بامبرک سقوط تیمورتاش را به دلیل تخلفات مالی در بانک ملی دانسته است (موحد ۱۳۹۳: ۳۹۶). فرجام نامیمون تیمورتاش با آخرین میخ بر تابوت زندگی سیاسی او توسط مقاله روزنامه تایمز انگلستان در مورخه نهم ژانویه ۱۹۳۳ تحت عنوان بزرگ‌نمایی از تیمورتاش و اقدامات او در برابر رضاشاه و احتمال حوادث بعد از مرگ شاه کوبیده شد. تیمورتاش طی شکنجه‌های جسمی و روحی بسیار به وسیله آمپول هوا توسط شخصی به نام پزشک احمدی در زندان قصر در ۹ مهر ۱۳۱۲ به قتل رسید.

دادخواست بانک ملی ایران علیه تیمورتاش، به انضمام اسناد و مکاتبات مربوط به آن
دیوان عدالت عظمی
[شیر و خورشید]
ورقه عرض حال به محکمه بدایت تهران

کارتن: ۶۳۰
دوسیه: ۱۱

متداعین	اسم	نام خانواده	پدر	شغل	محل اقامت
مدعی	بانک ملی ایران - تهران	—	—	تجارت	تهران، خیابان علاءالدوله
مدعی علیه	آقای عبدالحسین خان	تیمورتاش	—	وزیر سابق دربار پهلوی	تهران
نماینده	میرزا نورالدین خان به نمایندگی از طرف بانک ملی ایران	کاتوزیان	مرحوم آقا شیخ محمدحسین	رئیس دفتر حقوقی بانک ملی ایران	بانک ملی ایران، خیابان علاءالدوله تهران
قیمت مدعابه	مبلغ یکصد و هفتاد و نه هزار و هشتصد و هشتاد و دو ریال و بیست و پنج دینار به علاوه ده هزار و هفتاد و سه ریال و چهل دینار که فرع مبلغ فوق‌الذکر است از تاریخ اول فروردین یک هزار و سیصد و یازده تا تاریخ تقدیم عرض حال حاضر، یعنی تا هفتم اسفند یک هزار و سیصد و یازده از قرار شش درصد در سال (جمعاً یکصد و هشتاد و نه هزار و نهصد و پنجاه و پنج ریال و شصت و پنج دینار) به اضافه مخارج محاکمه و خسارت تأخیر تأدیه قانونی از تاریخ تقدیم عرض حال حاضر.				

۱. خط تیره در کلیه موارد برای حفظ شکل و اصالت سند آورده شده است.

شکل ۱. سند دادخواست بانک ملی علیه تیمورتاش (عبدی ۱۳۸۳)

اطلاعات

عصر ۵ شنبه ۸ تیرماه ۱۳۱۲ مطابق ۲۵

قیمت اعلانات	
صفحه اول	۳۰۰
خطری ۳ ربال	۲۰۰
	۱۰۰

در دیوان عالی جزا

جریان محاکمه تیمورتاش و حاج امین التجرار اصفهانی

رئیس محکمه - آقای مقبل وکیل مدافع تیمورتاش اگر اعتراضی به بیانات مدعی العموم دارند بفرمایند.

دومین دفاع آقای مقبل

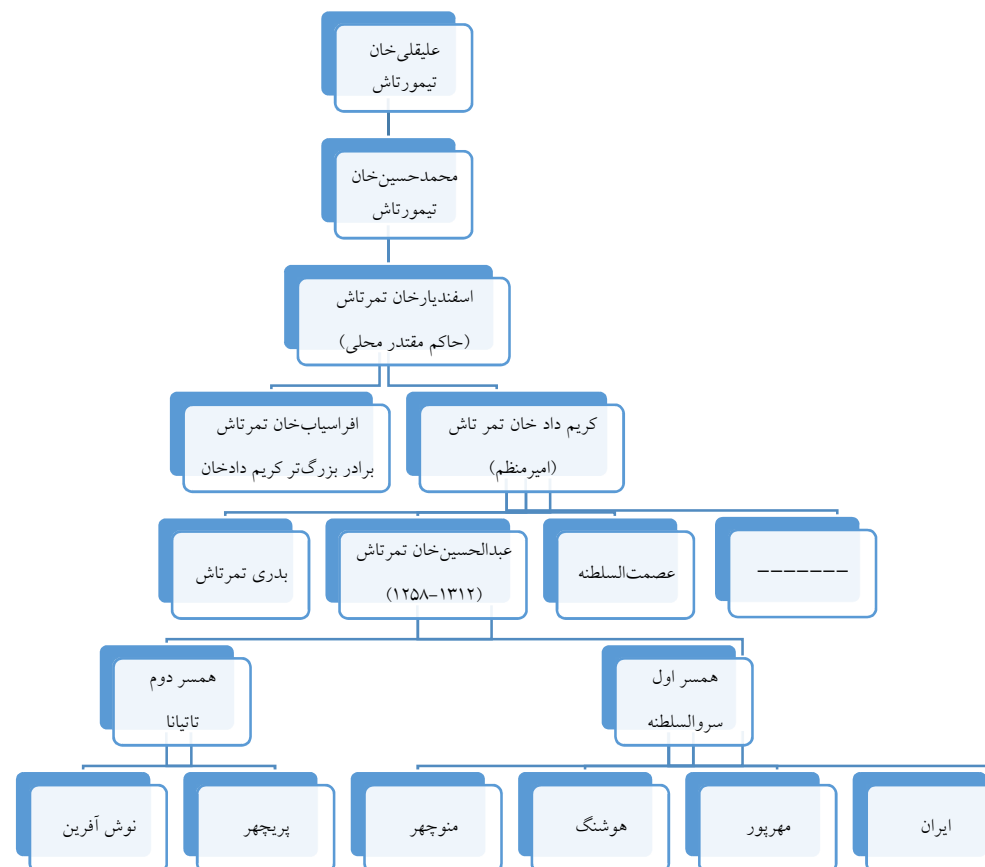
آقای مقبل - بنده اصولاً مایل بودم که عرایض خود را بهمان مذاکرات دیروز محدود کنم ولی فرمایشات دیشب آقای مدعی العموم مرا مکلف کرده بود که یک بار دیگر خلاصه دلایل درآیند و سیه و مذاکرات خود را بعرض برسانم.

اما چون خود آقای تیمورتاش قسمتی از جوابهای آقای مدعی العموم را بیان نمودند دیگر دروغ این احتیاج از من شد من فقط چند نکته را اجازه میخوام متذکر شوم

تاکنون من و همکاران محترم آقایان وکلای حاجی امین معتقد بودیم که مدرک ازتشاء قرار داد ۱۵۰ هزار لیبره ادعائی و تبدیل آن بقرار داد ۵۰ هزار لیبره میباشد و میزان رشوه در مبلغ صد هزار تومان تفاوت قرار داد پنججاه هزار لیبره از قرار لیبره دو تومان است و در مذاقمه خودمان دلایلی برای عدم وجود این دو قرار داد اقامه میکردیم در صورتی که توضیح دیشب آقای مدعی العموم باین عبارت (مکرر قید شده که برای عقد امتیاز وجوهی معهود بوده آقای تیمورتاش پرداخت شود که در تحقیقات مقدار تمهیلی معاموم نیست) ما را بفکر دیگری انداخت و معلوم شد که اساساً آقای مدعی العموم در توضیحات خود

در بیانات خود نظری نداشتیم که اظهارات دیروز را تکرار کنیم بلکه چنانکه عرض کردم نسبتهای آقای مدعی العموم بدفاع من داده اند که باید رفع سوء تفاهم ایشان بشود اول اینطور عنوان فرمودند که من گفته ام آقای وزیر مالیه عملی در استاز ضمیمه مراسله آقای تیمورتاش داشته یا یار که محترم عمداً آنرا نخواستند اندر صورتی که من چنین عنوان را نکردم و فقط گفتیم بدیهی است یک مراسله مفقود نخواهد شد و یار که محترم میبایست در پیدا کردن آن سعی وافق بعمل آورده باشد و باین توضیح علاوه میکنم که آقای مدعی العموم فرمودند اگر این مراسله پیدا میشد از کجا معلوم بود که بنغم آقای تیمورتاش باشد و عین پروژه همان نباشد که تصویب شده من جواب میدهم که اولاً از کجا معلوم است که به ضرر آقای تیمورتاش باشد و در جا می که تردید در بین نفم و ضرر است برطبق اصل کلی برائت و ارفاق بمتهم باید آنرا بر منفعت متهم تاقی نمود تا نیا اگر معلوم می شد که ضمیمه مراسله عین پروژه تصویبی است دلیل کامل بر برائت ایشان می بود زیرا همین پروژه بقول آقای مدعی العموم بتصویب هیئت وزراء و امضاء وزیر مالیه رسیده و اگر بد بود یا مضربحال دولت بود البته آن ها تصویب و امضاء نمیکردند دوم آقای مدعی العموم فرمودند که من بایشان اعتراض کردم که چرا به آقای حاجی امین در جریان استنطاق مجال

شکل ۲. روزنامه اطلاعات (۸ تیر ۱۳۱۲)



نمودار ۲. شجره‌نامهٔ خاندان عبدالحسین تیمورتاش تا دوران فتحعلی‌شاه قاجار

کنکاشی پیرامون طایفه تمر تاش (تیمورتاش) ... (سیدحمید فخر جعفری و دیگران) ۱۵۳

۱.۶.۳ شواهدی از انعکاس نام (قبیله) تمر تاش در آثار و اسناد تاریخی (سند ۳)

بنای چهارطاقی تیموری «مقبره تیموری» در حاشیه روستای زیارت شیروان و در محوطه امامزاده حمزه رضا واقع است (تصویر ۱). براساس تاریخی که بر سنگ داخل قبر حک شده تاریخ آن ۷۸۵ ق ذکر گردیده که متعلق به یکی از سرداران معروف امیر تیمور گورکانی (عید خواجه) است. وجود نقب‌هایی در طرفین آن و شایعاتی که درمورد وسعت این نقب‌ها ذکر شده ابهام‌انگیز است (معماری خراسان شمالی ۱۳۹۰: ۱۱۹).

۱.۱.۶.۳ وقف‌نامه مضبوط در مقبره تیموری شیروان

البته، بعضی از معمرین مقبره مذکور را به شیخ تیمور نسبت می‌دهند که این مورد نمی‌تواند قابل قبول باشد، زیرا طبق نامه موجود به تاریخ ذی‌قعدة سنه ۱۰۴۵، که با خط بسیار زیبایی نگارش شده است، واقف املاک شخصی به نام امیرمحمد شیخ تموری، ولد شیخ حسن تموری، از بازماندگان میردرویش حسن زیارتی که متولی و خدمه حضرت امامزاده حمزه رضا ذکر شده، که بیش از بیست نفر از بزرگان و معتمدان محلی آن زمان این وقف‌نامه باارزش را امضا و مهر زده‌اند.



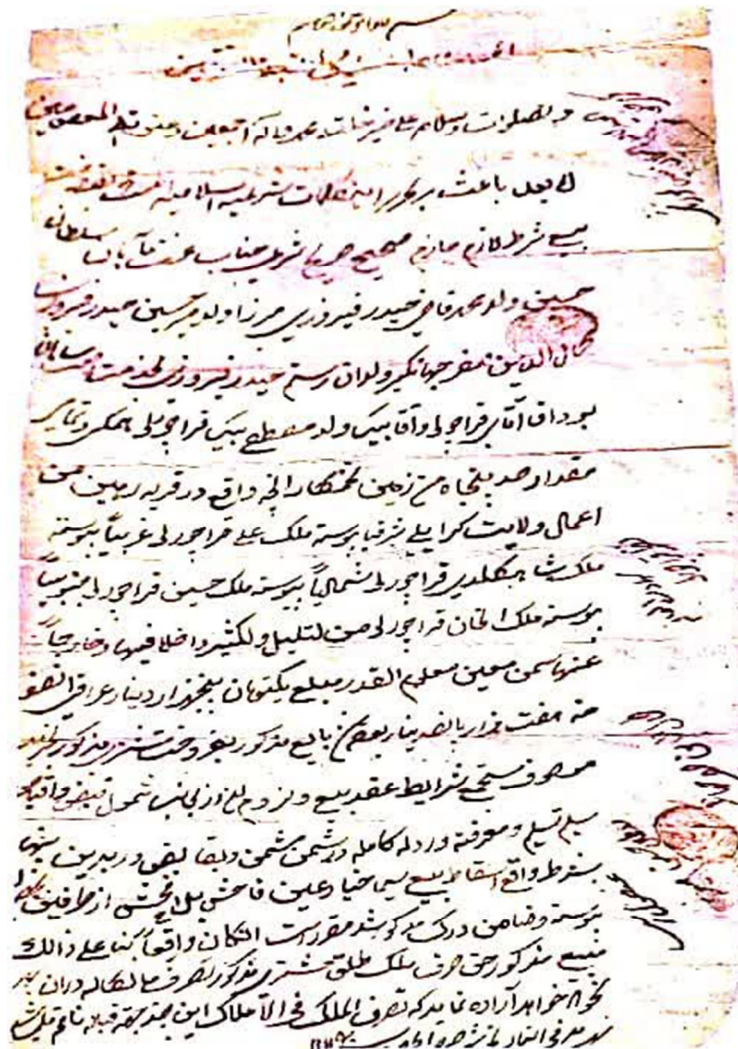
شکل ۳. چهارطاقی تیموری

تاریخ وقفنامه نیز با احداث بنا ۴۶۰ سال اختلاف زمانی دارد. البته، این احتمال وجود دارد که جنازه میر درویش حسن، جد بزرگ شیخ تمور (در وقفنامه تمور نوشته شده است)، را در داخل مقبره تیموری دفن کرده باشند. همچنین، روستایی به نام شیخ تیمور در اطراف بجنورد وجود دارد که بی ارتباط با این وقفنامه نیست (مقیمی ۱۳۷۰: ۲۳۵).

۲.۶.۳ متن مصالحهنامه به مورخ ۱۱۱۱ ق (سند ۴)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل بيع الشرى، حرم الغصب والربا والصلوات و سلام على خير خلقه محمد و آله اجمعين و عترته المعصومين اما بعد باعث بر تحرير اين كلمات شرعية اسلاميه آن است که بفروخت به بيع شرط لازم جازم صحيح صريح شرعى جناب عزت مآبان سلطان حسين ولد محمد قاضى حيدر فيروزي، ميرزا ولد مير حسين حيدر فيروزي كمال الدين صفر، جهانگیر ولدان رستم حيدر فيروزي به خدمت رفعت پناهان بوداق آقای قراچورلو و آقايگ ولد مصطفى بيگ قراچورلو همگی و تمامی مقدار صد پنجاه من زمین تخم کار، آنچه واقع در قریه رئين من اعمال ولايت گرایلی، شرقیاً پیوسته ملک علی قراچورلو، غربیاً پیوسته ملک شاه گلدی قراچورلو، شمالیاً پیوسته ملک حسین قراچورلو، جنوبیاً پیوسته ملک الخان قراچورلو من القليل و الكثير داخل فیها و خارجاً عنها به سمن معین معلوم القدر مبلغ یک تومان پنج هزار دینار عراقی انصف عنه هفت هزار و پانصد دینار بوده باشد. بایع مذکور بفروخت و مشتری مذکور بخريد موصوف مستجمع شرایط عقد بيع و لزوم آن به این جانب مشمول قبض و اقباض تسلیم و معرفت و رد له کامله در ثمن مستمن و بقایض - بینهما بشرط واقع اسقاط بيع سیما خيار غبن فاحش بل ادخس از طرفین به حصول پیوسته و ضامن درک مذکور شد، مقرر است امکان واقعاً بنا علی ذالک میبع مذکور حق صرف ملک طلق به مشتری مذکور تصرف مالکانه در آن به هرنحو که خواهد اراده نماید که تصرف الملک فی الاملاک، این چند جهة قباله نامه قلمی نشر، فی التاريخ شهر صفر المظفر سنه ۱۱۱۱ ق.



شکل ۴

۳.۶.۳ سند ۴

سند سال ۱۱۷۵ ق (سندی درباره یکی از بیلاق‌های عشایر کوه شاه‌جهان)

این صلح‌نامه در تاریخ ۱۱۷۵ ق به‌امر محمدحسین خان ایلخانی^۵ زعفرانی و حاکم کردهای خراسانی مقیم قوچان و مشورت و رأی علمای شرع و ریش‌سفیدان اسفراین درباره منازعه ملکی بین حاتم آقای کرد ملانلو و طایفه ترک شهریاری (از تیره‌های تمر تاش) نوشته شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

بر رأی صوابنمای حکام عدالت گستر و علمای شرع‌انور پوشیده نماند که درخصوص املاک دیمچه‌زار میدر^۶ و حدودات آن فیما بین عالی‌قدر حاطم (حاتم) آقای ملانلو و طایفه شهریاری منازعه بود، خدمت با سعادت وکلای ایلخانی عرض مقرر به محکمه شرع‌انور فرمود که اهل شرع و جماعت ریش سفیدان ملانلو میان این بلوک بیدباز [بیدواز] به رستاق [روستا] سر املاک مزبور آمده، گواهی بدهند و قطع دعوا نمایند. بنابراین، اجرای شهادت نمودند، خیراندیشان که از حدود [روستای] در پرچین تا "در بند طَورَ کند" تعلق به نوروزعلی و عوض و اوروج تیمورتاش دارد که ثلث رسدی نوروزعلی را حاتم آقای مزبور خریده و دوثلث را بدون حق، تصرف کرده و از "در بند طَورَ کند" تا علاقه‌بند تعلق به جماعت شهریاری که حمزه و قربان و صفر و میرزا محمد و علی محمد شهریاری دارد، که حاتم از حد خود تجاوز کرده؛ مقدار دوسه جریب املاک شهریاری را هم به باطل تصرف کرده. سخن شهریاری این که از "مسگر دره سر" تا "سر علاقه‌بند" از شهریاری است و از پرچین تا مسگر دره از تیمورتاش، اهل شرع به جهت رفع فتنه و فساد بنا به مضمون الصلح خیر، بنابر صلح گذاشته از حد تپه سفید و گنچانه سمت شمال کمری است، که می‌کشد تا (رکی یورت) عاسق و آبریز "طور کند" الی علاقه‌بند از همان تپه سفید بر میان میدر مرزی ساختند و سنگی چند چیده به سمت "چقر کمر" و آن سنگ هم بر فوق کمر تا علاقه‌بند به طایفه شهریاری وا گذاشت. از همان مرز میان میدر که غربی شهریاری "طور کند" به حاطم (حاتم) آقای ملانلو دادند و رفع دعوا نمودند و صیغه مصالحه جاری شد. هرگاه دوباره دعوا کنند، از درجه اعتبار ساقط و از مرتبه اعتماد بی‌ربط بوده باشد و مبلغ پنج تومان ترجمان (به حکام عالی) دادن و این میدر از دربند قبرستان تا مرزی که در میان گذاشته و سنگ به جهت علامت مابین تیمورتاش، حاتم گذاشته به جانب علاقه‌بند شهریاری و قدری املاک شهریاری را به جانب حاتم آقا وا گذاشته از هم راضی شدند. این چند کلمه به جهت محبت نوشته شد. تحریراً به تاریخ دوازدهم شهر ربیع‌الاول سنه ۱۱۷۵ ق.

حضار مجلس: بهادر موسیکانلو [گُرد]	شهد بمافیه عاشور موسیکانلو
شهد بمافیه محمدرضا موسیکانلو	شهد بمافیه اوردوغدی حاجیکانلو [گُرد]
شهد بمافیه رضاقلی مردانلو [گُرد]	شهد بمافیه نوروزعلی مردانلو
شهد بمافیه ملاعیسی بگ حاجیکانلو	شهد بمافیه جلیل اصطرخی
شهد بمافیه آدینه محمد ...	شهد بمافیه حاجی مراد

و چند اثر مُهر و امضای دیگر که ناخواناست.

کنکاشی پیرامون طایفه تمر تاش (تمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۱۵۷

۴.۶.۳ مصالحه نامه سال ۱۲۶۰ ق، سند ۶

الطیبین الطاهرین اما بعد باعث بر تحریر این سطور شرعی القواعد علی ارکان اعتبار این است که بخیرید به مال خالص خود و از برای رضاقلی آقا ابن المرحوم امامقلی کیوانلو مقدار یک صد من زمین بذرافکن در مزرعه عزیز چشمه واقع در کاهدار من اعمال سمبار مانه از خدمت عالیجناب علیقلی ابن المرحوم نجف آقای "تمورتاشی" قدری زمین با پسرعم خود مراد ویردی شراکتی داشتن که قبل از این قدری فروخته و یک صد من را نیز فروخته بمبلغ یک تومان و پنج هزار دینار قیمت نموده به چهار حد معین. حد اول شرقیاً پیوسته متصل به زمین مشتری، حد دوم غربیاً پیوسته متصل بدرخت اوج قد که در میان است. حد سیم جنوباً پیوسته متصل بزمین "بوکه آقای تمورتاشی"، حد چهارم شمالیاً پیوسته متصل زمین اسد ولد بوداق آقای کوانلو. بایع فروخت و مشتری مذکور خرید و در خریدن درست عقد شرعی جاری گردید. مبلغ با مصالحه الاملاک دعوی عنوان فاحش بل الفحش جاری گردید و بایع از ملک خود اخراج بتصرف مالکانه مشتری وا گذاشت و بایع قیمت املاک خود را تمام و کمال بقید خود درآورد و قبض کرد و قبض تسلیم و تسلیمین به حصول پیوست و بایع ضامن درک شرعی گردید که عندالوقع بینهما الدرک او قهراً او بعضاً بصیغه عربیاً و الفارسی جریان یافت که هرگاه با زمین مشتری درک بهم رساند از عهده قرامت املاک مشتری برآید و عذر شرعی نیاورد. این چند کلمه جهت سند نامچه قلمی شد.

بتاریخ شهر ذی حجه سنه ۳- (۱۲۶۰ ق)

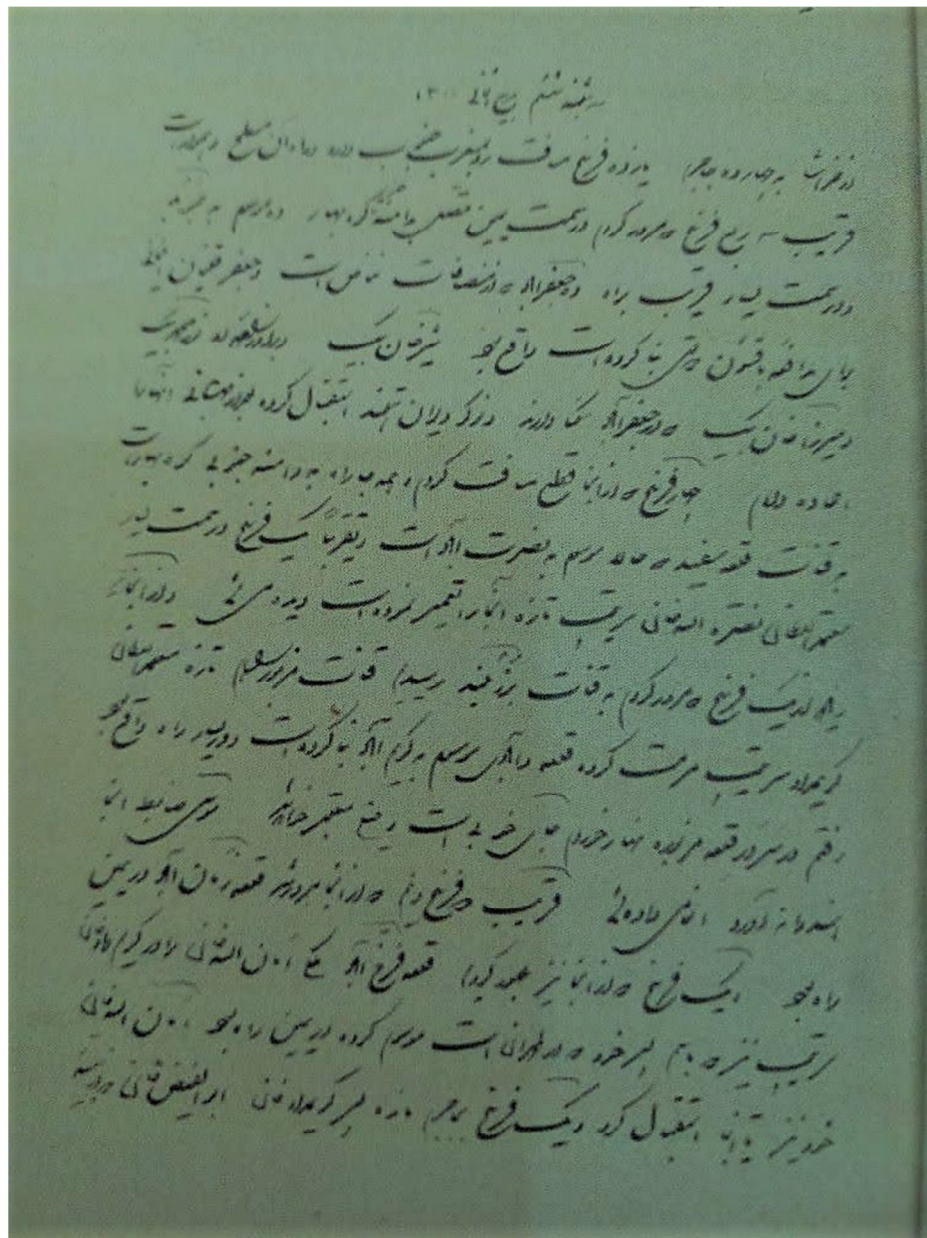
مهر بوکه تمورتاشی

کنکاشی پیرامون طایفه تمر تاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۱۵۹

۵.۶.۳ نسخه خطی دوره قاجار، اثر محمدقلی نوری ملقب به «مُنتخب‌الملک»، سند ۷

یکشنبه ربیع‌الثانی ۱۳۱۱ ق

از خراشا به چهارده جاجرم ۱۱ فرسخ مسافت، رو به مغرب جنوب دارد ... به "قنات برز بلند" رسیدیم. قنات مزبور را هم تازه معتمدالسلطان، کریم دادخان، سرتیپ مرمت کرده؛ قلعه و آبادی موسوم به "کریم‌آباد" بنا کرده است و در یسار راه واقع بود، ... قلعه زمان‌آباد در یمین راه بود و یک فرسخ که از آن‌جا نیز عبور کردیم، قلعه فرخ‌آباد ملکی امان‌الله‌خان، برادر کریم‌خان سرتیپ، نیز به اسم پسر خود، که در طهران است، موسوم کرده، در یمین راه بود، امان‌الله‌خان خود نیز تا این‌جا استقبال کرد و یک فرسخ به جاجرم مانده پسر کریم دادخان، ابوالفیض‌خان، که از صبیّه حاجی میرزا رحیم است، آمد. دم دروازه جاجرم هم فرج‌الله‌خان، پسر دیگر امان‌الله‌خان، و آقاعلی، پسر کربلایی فتح‌الله، ضابط جاجرم حاضر بوده، مرا به خانه کریم دادخان سرتیپ بردند، دو شب و یک روز در آن‌جا ماندم. کریم دادخان پسر محمدحسن‌خان ابن علینقی ابن محمدحسن بیک است، اصلاً از طایفه تمر تاش (تیمورتاش) ساکن ارکان بجنورد هستند، مرحوم مزبور حاکم نردین و خیلی شاخص در زمان شاه مرحوم محمدشاه (طاب الله ثراه) بود. محمدحسن‌خان بدین قرار اولاد داشت: افراسیاب، کریم دادخان، امان‌الله‌خان، الله‌وردی‌خان، سعادت‌یارخان، ابراهیم‌خان، بیگلرخان، سامخان، مهدیقلی‌خان پسر کوچک سرتیپ مشارالیه ابوالخیرخان، که آن هم از صبیّه حاجی میرزا رحیم است. پسر بزرگ سرتیپ عبدالحسین‌خان است که از او با دو همشیره از صبیّه مرحوم فرج‌الله‌خان عموزاده (سهام‌الدوله) است (منتخب‌الملک ۱۳۱۴: ورق ۵۰-۵۱، ۱۰۰-۱۰۱؛ ردیف ۱۶، س ۵۲-۵۳، ورق ۲۶-۲۷).



شکل ۶. تصویری از سند ۷ از نسخه خطی کنز المسافر

کنکاشی پیرامون طایفه تمرتاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۱۶۱

۶.۶.۳ سند ۸: اسناد مالی

شماره ۱. سند مالیه ۱۳۲۴ ق: این سند مربوط به مالیات قلعه‌جات به سال ۱۳۲۴ ق است. مالیات روستاهای تیمورتاش و رثین به این شرح است. قریه تیمورتاش ۱۶۵ تومان نقدی؛ قریه رثین ۱۵ تومان نقدی.

موردت با تملکات از قریه تیمورتاش و رثین

قریه	مالیات	تومان	نقدی
قریه تیمورتاش	۱۶۵	تومان	نقدی
قریه رثین	۱۵	تومان	نقدی

شکل ۷. تصویر سند ۸

کنکاشی پیرامون طایفه تمر تاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۱۶۳

۸.۶.۳ سند ۱۰

دست‌نوشته خطی تاریخ قدیم قوچان، نوشته علی اکبر افشار قوچانی (۱۳۲۵ ق) (نویافته و منتشر نشده)

این سند خطی از واگذاری استرآباد به کریم دادخان سرتیپ حکایت دارد که در یک سال به مبلغ چهل هزار تومان از یارمحمدخان (سهم‌الدوله دوم) مقاطعه و در ولایت ترشیز ملک خالصه دولتی جنگل را به سالی ده هزار تومان اجاره کرده بود. متن سند به این شرح است:

... که بخشیده بود آقاوجیه که در جوانی بی‌ریش میرزا حسین خان (سپهسالار) بوده و مرحوم سپهسالار هم قزوینی و حالش کم از سو زمانی نبوده، از ایالت استرآباد معزول و ایالت را به یارمحمدخان (سردارمفخم) دادند.

رکن‌الدوله و امیرحسین خان به قوچان و مشهد برگشتند، مرحوم سلطان قلیخان سرتیپ اخوی بنده در آن موقع ناظر یارمحمدخان بوده در بجنورد، از دخل یارمحمدخان صحبت می‌کرد و دو سال تمام در ایالت باقی بوده، پیش‌کاری استرآباد را هم به مرحوم کریم دادخان نردینی پدر جناب اشرف حالیه آقای (وزیر دربار) عبدالحسین خان واگذار کرده بودند. به این ترتیب:

اولاً: به سالی چهل هزار تومان بعد از وضع خرج یارمحمدخان را مقاطعه کرده بوده. ثانیاً: پنجاه هزار تومان سالی پاک کرده داده بود که بعد از دو سال همه آقا و نوکر مثل: شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر با خزانه شاهانه به بجنورد آمده، نوکران تائین آتیه را داده؛ کریم دادخان بعد از مراجعت مکه، جنگل خالصه دولت را در ترشیز خرید که الآن سالی ده هزار تومان اجاره داده‌اند.

(۵۷)

که بخشیده بود آقا وجیه که در جوانی بی رش میرزا
حسین خان سپهسالار بوده و مرحوم سپهسالار هم قزوینی
و حالش کم از سوزمانی نبوده از ایالت استرآباد
معزول و ایالت را بیار خجیر خان سردار نهم
دادند.

رکن الدوله و امیر حسین خان به قوتان
و مشهد برگشتند. مرحوم سلطان قلیخان سرتیب
اخوی بنده در آن موقع ناظر بایر خجیر خان بوده در
بجنورد از دخل بایر خجیر خان محبت میکرد و دو
سال تمام در ایالت باقی بوده پیشاری استرآباد
را هم بمرحوم کریم دادخان نزدینی بدر خجیر شهر
حالیته آقای وزیر دربار عبدالحمید خان واگذار کرده
بودند باین ترتیب:

اولاً بای چهل هزار تومان بعد از وضع خسر ج
بایر خجیر خان را مقاطعه کرده بوده.
ثانیاً پنجاه هزار تومان سالی پاک کرده داده بود که
بعد از دو سال همه آقا و نوکر مثل شمس الهانی -
قابوس و شمسگیر با خزانه شایمانه به بجنورد آمده

(۵۸)

نوکران تأمین آتیه را داده کریم دادخان بعد از مرگ
مکه جنگل خالصه دولت را در ترشیز خرید که آن سالی
ده هزار تومان اجاره داده اند.

نسخهٔ خطی کنز المسافر نوشتهٔ تاریخی (منتخب‌الملک نوری)

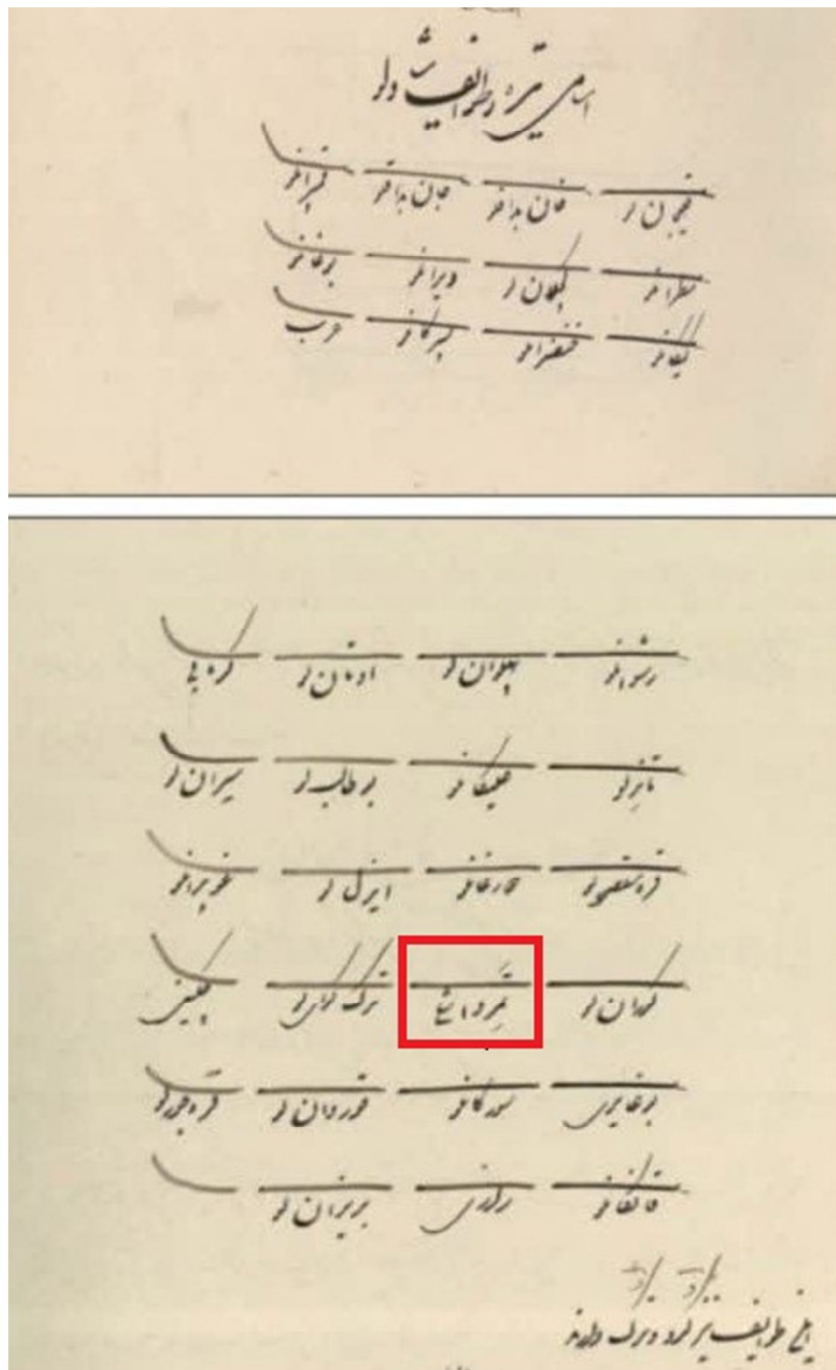
این اثر از لحاظ تاریخی و جغرافیایی اهمیت دارد. نویسنده ضمن پرداختن به تاریخ‌گردهای خراسان اطلاعاتی ارزشمند از ایلات، طوایف، و آبادی‌های «ولایت آلا داغ» ارائه می‌دهد. وی اسامی ۳۵ طایفه ساکن در ولایت بجنورد را که گُرد، تُرک، تات، و عرب بوده‌اند آورده است. کتاب (منتخب‌الملک) حاوی اطلاعات سودمندی دربارهٔ حکام و طوایف است.

بنابه نوشتهٔ منتخب‌الملک طوایف شمال خراسان مرکب از ۳۵ طایفه هستند که از این میان ۲۸ طایفه گُرد و از زیرشاخه‌های سه ایل شادلو، قراچورلو، و زعفرانلو هستند و ۵ تا از قوم تُرک، ۱ طایفه تات، ۱ طایفه عرب‌اند.

الف) طوایف گُرد عبارت‌اند از: قلیچانلو، قمبرانلو، مطرانلو، دیرانلو، کیچانلو، بوغانلو، خنضرانلو، پسرکانلو، اوتانلو، تانیرانلو، علیکانلو، بو طالبلو، سیرانلو، دوراغانلو، ایزانلو، قوپرانلو، کورانلو، قانیکانلو، قره‌چورلو، خان بداقلو، جان بداقلو، سورکانلو، برزانلو، کیکانلو، رشوانلو، پهلوانلو، قوردانلو، و چگینی.

ب) طوایف تُرک عبارت‌اند از: قره مقصودلو، تمر تاش، بغایری، گرایلی، و گرمابی.

ج) طوایف رازی و عرب هم از زیرشاخه‌های قوم تات و عرب هستند (منتخب‌الملک ۱۳۱۴: برگ ۱۶).



شکل ۱۰. نمونه‌ای از کتبات المسافر که اشاره به طایفه تمرناش دارد

۴. نتیجه گیری

بی شک، هم بستگی قومی در جامعه ایران با دست یابی به قدرت برای افراد فراهم می شد و در رأس سلسله های پادشاهی ایران زمین اغلب سران ایلات جای داشته اند. به همین جهت، شناخت جامعه ایلاتی چه از نظر سیاسی و چه از لحاظ فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی دارای اهمیت فراوانی است. در طی ادوار تاریخ ایران، نقش ایلات به عنوان مرزداران این سرزمین کهن و به طور طبیعی رجال نام دار برخاسته از این ایلات در بزنگاه های تاریخی، که مصدر خدمات و خدمات سنگین بر پیکره میهن عزیزمان گردیده اند، به ویژه در طی دو سده اخیر و سیر تحولات تاریخی معاصر نقش رجالی چون عبدالحسین خان تیمورتاش، سردار اسعد بختیاری، و ... که در کنار سایر رجال ملی و انگلوفیل، ژرمنوفیل، روسوفیل، ... در گذار تاریخی رخدادهای ماقبل مشروطیت تا به امروز نقش به سزایی داشته اند، قابل توجه است. اهمیت آن در ساختار اجتماعی - سیاسی ایران به ویژه به دلیل عدم وجود ارتش متحدالشکل نوین تأثیر زیادی داشته و زمان زیادی این سران ایلات قدرت های سیاسی جامعه ایران را در دست داشته اند. عبدالحسین خان تیمورتاش وزیر دربار پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۱۱ ش) یکی از همین خان زاده های برخاسته از ایلات است که فاقد تبار و خون اشرافی طبقه حاکم بوده و به واسطه لیاقت و هوش ذاتی توانسته است پله های ترقی در صحنه سیاست ایران را بپیماید. تا آن جاکه به قول مخبرالسلطنه هدایت به نقل از رضاشاه: «قول تیمور قول من است» (هدایت ۱۳۷۵: ۳۷۱). این جمله خود گویای جایگاه و کارنامه زندگی سیاسی تیمورتاش است. تیمورتاش با وجود این که از غنچوان نوجوانی برای ادامه تحصیل راهی روسیه تزاری گردید و به طور طبیعی روحیات و منش زندگی شاهزادگان مرفه و هوس باز تزاری در او رشد و نمو یافت، ولی به عنوان یک اپورتونیست (فرصت طلب) و لذت طلب شهره آفاق زمانه اش گردید. عملکرد او در زن بارگی، شرب خمر، قماربازی، و هم پالگی با افراد دون مایه ای چون عبدالحسین دیا و همسرش (بلبل) و یا کارنامه ددمنشانه وی در طی حکومت گیلان و اعدام تعدادی بی گناه به اتهام جنگلی (طرفداران میرزا کوچک خان) در حالت مستی ... قابل دفاع نیست. هم چنین، هم زمان از خصایصی چون پشت کار، شجاعت، سرسختی، قاطعیت در کارها، و ذکاوت ...، که از خصایص مردان ایلاتی است، برخوردار بود و بهره مندی از پتانسیل قدرت نفوذ ایلات در کسب مناصب و در برهه هایی از زندگی سیاسی تیمورتاش آشکار است. این رجل سیاسی در بازی سرنوشت شاید بزرگ ترین لطمه را به یگانه میراث نهضت مشروطیت ایران وارد کرد، یعنی نقش و جایگاه پارلمان را تنزل داد که به فرمایشی کردن مجلس شورای ملی منجر گردید که در نهایت به ماشین

امضای دولت تقلیل پیدا کرد. سرانجام، در طنز تلخ تاریخ خود و دیگر هم‌پالگان منورالفکرش، چون فیروز، سردار اسعد بختیاری، علی‌اکبر داور، و ...، قربانی همین سیاست ترقی‌خواهانه نهضت مدرنیزاسیون ایران نوین تحت لوای دیکتاتوری مُصلح رضاشاهی قرار گرفتند و با دسیسه داخلی و خارجی یک‌شبه از عرش به فرش مذلت افتادند و با گذشت یک سده از زمان فرجام نامیمون تیمورتاش راز مرگش در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، شاید با افشای اسناد طبقه‌بندی‌شده بریتانیا این راز مخفی روزی فاش گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. اشتباه از طرف پیش‌خدمت به‌دلیل پوشش قرمز رنگ لباسی بود که ترکمانان از این رنگ بیش‌تر استفاده می‌کنند.
۲. به‌علت تعلق خاطر به نردین زادگاهش لقب نردینسکی را، که حالت نوستالژی برایش داشت، برای خودش انتخاب کرد.
۳. تخلص شعری عبدالحسین‌خان تیمورتاش (سردار معظم خراسانی).
۴. به‌موجب این قرارداد، به دولت ایران ماهیانه دویلمیون ریال پرداخت می‌شد. در عوض، دولت ایران اجازه تشکیل دو نیروی یازده‌هزار نفری در جنوب و شمال را به انگلستان و روسیه تزاری می‌داد که تحت تعلیمات صاحب‌منصبان دو دولت و ظاهراً زیر فرمان وزارت جنگ دولت ایران برای استقرار امنیت به‌وجود می‌آمد و به‌موجب همین قرارداد امور مالی ایران به‌طور کامل زیر نظر کمیسیون مزبور قرار می‌گرفت.
۵. در زمان نگارش این صلح‌نامه، تنها ایلخان (خان و رئیس ایل) ایران محمدحسین‌خان زعفرانلوست که در سال ۱۱۴۸ ق به‌فرمان نادرشاه در دشت مغان به این سمت نایل شد. حدود پنجاه سال بعد، ایل بختیاری دارای ایلخان شد.
۶. مَیدَر (Maydar) از دیمه‌زارها و بیلاق‌های رشته‌کوه شاه‌جهان است و از اُنْدَقان تا سرچشمه (در شمال شرق اسفراین) را شامل می‌شود.

کتاب‌نامه

- آقاملایی، ایرج (۱۳۸۹)، *تاریخ مشاهیر خراسان شمالی*، مشهد: مرندیز.
- ارفع، رضا (۱۳۷۸)، *خاطرات پرنس ارفع*، تهران: سخن.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۷۵)، *مطلع الشمس*، به‌اهتمام برهان لیمودهی، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۷۸)، *مطلع الشمس*، به‌اهتمام برهان لیمودهی، تهران: بنیاد موقوفات افشار.

کنکاشی پیرامون طایفه تمر تاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۱۶۹

اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۲۵۳۵ خ)، مطلع الشمس، به اهتمام برهان لیموده‌ی، تهران: بنیاد موقوفات افشار.

اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۶)، مرآة البلدان، به تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.

افشار قوچانی، علی اکبر (۱۳۲۵ ق)، تاریخ قدیم قوچان، نسخه خطی.

امین لشکر میرزا قهرمان (۱۳۷۴)، روزنامه سفر به خراسان به هم‌راهی ناصرالدین شاه، به تصحیح ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: اساطیر.

ایوانف، ولادیمیر (۱۳۷۷)، «ایل‌ها و طایفه‌های موجود در شمال خراسان»، ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، خبرنامه و ویژه‌نامه دومین همایش شهرستانی، ش ۸، ۲۵.

باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۹۰)، شاهنامه آخرش خوش است، تهران: علم.

بهار، محمدتقی (ملک الشعرا) (۱۳۷۷)، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

بلوشر، ویپر (۱۳۶۹)، سفرنامه، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.

پیرا، فاطمه (۱۳۷۹)، روابط سیاسی اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

پورشالچی، محمود (۱۳۸۴)، قزاق، عصر رضاشاه پهلوی براساس اسناد وزارت خارجه فرانسه، تهران: مروارید.

تأثیری، رضا (۱۳۹۳)، شهر من بیجین یورد، بجنورد: درج سخن.

حکیم‌الممالک، علی‌نقی (۱۳۵۶)، روزنامه سفر خراسان، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران‌زمین.

رحمتی، علی، (۱۳۷۸-۱۳۷۹)، نقش ایلات و طوایف بجنورد در دفاع از استقلال ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

رحمتی، علی (۱۳۹۶)، بررسی و شناخت ایلات و طوایف تات و ترک ترکمن و متفرقه، ج ۱، بجنورد: بیژن یورد.

سهام‌الدوله بجنوردی (۱۳۷۴)، سفرنامه، به کوشش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران: علمی و فرهنگی.

سیف پورفاطمی، نصرالله (۱۳۷۸)، آیین عبرت، تهران: سخن.

سینایی، وحید (۱۳۹۶)، دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران (از ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷)، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

شیخ‌الاسلامی، محمدجواد (۱۳۷۹)، صعود و سقوط تیمورتاش، تهران: توس.

شهبازی، عبدالله (۱۳۶۹)، مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر، تهران: نی.

عاقلی، محمدباقر (۱۳۷۱)، تیمورتاش، تهران: جاویدان.

عاقلی، محمدباقر (۱۳۹۷)، تیمورتاش، تهران: جاویدان.

۱۷۰ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

عبدی، عیسی (۱۳۸۳)، اسناد و مکاتبات تیمورتاش (وزیر دربار رضاشاه)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

غنی، سیروس (۱۳۸۰)، برآمدن رضاخان و برافتادن قاجارها و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نیلوفر.

فاتح، مصطفی (۱۳۵۸)، پنجاه سال نفت، تهران: پیام.

طلوعی، محمود (۱۳۸۰)، معماهای تاریخی (رازهای ناگشوده در تاریخ معاصر ایران)، تهران: علم.

گلشن آزادی، علی اکبر (۱۳۷۳)، صد سال شعر خراسان، مشهد: آستان قدس رضوی.

کحال‌زاده، میرزا ابوالقاسم (۱۳۶۲)، دیده‌ها و شنیده‌ها (خاطرات)، ج ۱، تهران: فرهنگ.

متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۷)، خراسان شمالی، مشهد: آهنگ قلم.

معماری خراسان شمالی (۱۳۹۰)، به کوشش سازمان نظام مهندسی ساختمان، مشهد: شاملو.

مقیم، محمداسماعیل (۱۳۷۰)، جغرافیای تاریخی شیروان، مشهد: آستان قدس رضوی.

مکی، حسین (۱۳۷۴)، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۵، تهران: علمی.

مک گرگر، سی. ام. (۱۳۶۹)، شرح سفر به ایالت خراسان و شمال غرب افغانستان، ترجمه اسدالله توکلی، مشهد: آستان قدس رضوی.

مُنتخب‌الملک (۱۳۱۴)، کنز المسافرین فی وصف بلاد شمال خراسان، نسخه خطی.

میرنیا، سیدعلی (۱۳۶۹)، ایل‌ها و طایفه‌های عشایری گُرد خراسان و نقش سیاسی ایل‌های بزرگ، مشهد: نسل دانش.

موحد، محمدعلی (۱۳۹۳)، خواب آشفته نفت (از قرارداد داری تا سقوط رضاشاه)، ج ۱، تهران: کارنامه.

ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۰۶ ق)، سفرنامه ناصرالدین‌شاه به خراسان ۱۳۰۰ ق، به اهتمام محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، تهران: دارالطباعة دولتی.

نبی، ابوالفضل (۱۳۷۵)، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن هشتم، مشهد: دانشگاه فردوسی.

هدایت، مهدی‌قلی‌خان (۱۳۴۴)، خاطرات و خطرات، تهران: زوار.

هدایت، مهدی‌قلی‌خان (۱۳۷۵)، خاطرات و خطرات، تهران: زوار.